

مسیر روشنائی



موضوع: جنگ رمضان
اردیبهشت ماه ۱۳۰۵
دبیرستان شهادت وصال

"شهید حضرت آیت الله سید علی خامنه ای:"

« فکر نکنید که زدند و تمام شد:

نه، کار را آنها شروع کردند و جنگ به راه انداختند.
ما به آنها اجازه نخواهیم داد که از این جنایت بزرگی
که انجام دادند، خودشان را سالم خلاص کنند؛ مسلم،
نیروی مسلح جمهوری اسلامی ضربه های سنگینی بر
این دشمن خبیث وارد خواهد آورد.»



شناسنامه:

مجله مسیر روشنایی

سر دبیر: عارفه محمدیان

طراح و صحنه آرا: ریحانه غفاریان نداف

هیئت تحریریه:

هلیا زینلی

محدثه ستارچه

زهرا زارعی

دبیرستان شاهر وصال

اردیبهشت ماه ۱۴۰۵

فهرست



امام حضرت آیت الله سید مجتبی
خامنه ای علیه السلام :
از جمله هنرهای رهبر شهید و سلف
کبیر ایشان وارد کردن مردم در
همه ی عرصه ها و بصیرت و آگاهی
دادن مستمر به ایشان ، و در مقام
عمل تکیه بر نیروی آنان بود.

۱ سرمقاله

۲ خاطره

۳ مصاحبه

۴ تحلیل پدیده ها

۵ خورشید حماسه

۶ دانشمند شهید سعید شمعقدری

۷ معرفی کتاب

۸ شعر و دلنوشته

۱۰ جدول

۱۱ کاریکاتور و نقاشی





جنگ با مهمانان خدا

وقتی صحبت از رمضان می شود، اولین تصاویری که در ذهن مان نقش می بندد، آرامش، سکوت دلنشین سحرگاه، نوای دلنواز تلاوت قرآن و سفره های گرم افطار است . اما درست در ماه مهمانی خدا ، شیاطین نقشه کشیدند که آرامش ملتی مؤمن و خدا جو را بر هم زنند . آنان به خیال خام خود می خواستند این ارتباط عمیق میان خالق و مخلوق را از انسانهای پاک و با ایمان بگیرند و دنیا را برایشان به خاک و خون بکشند . دیوصفتان ، رهبر فرزانه و عزیز مان را از ما گرفتند؛ بمب های بی رحم شان را بر سر کودکان بی گناه میناب، فرو افکندند .

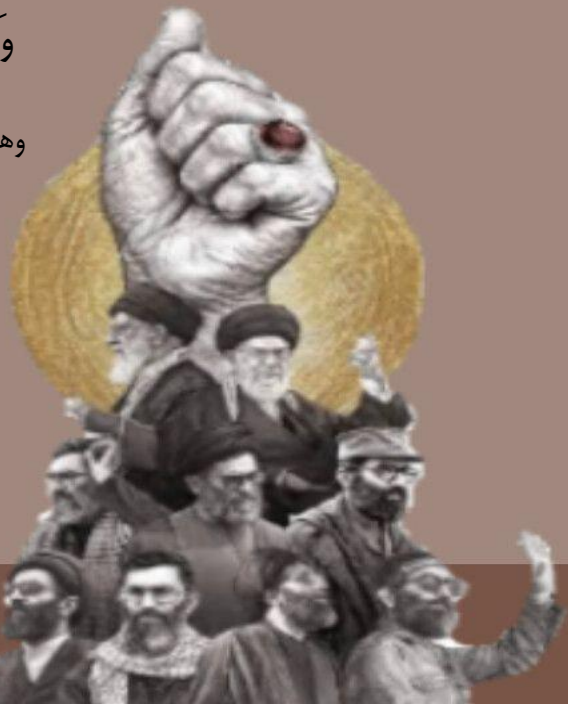
کودکان میناب ! همان هایی که صبحگاه در حیاط مدرسه با دوستان شان می خندیدند و ظهر با خیالی آسوده به آغوش خانواده باز می گشتند تا در گرمای محبت مادرانشان تا لحظه افطار به خواب شیرین بروند، این بار همه باهم، در آغوش یکدیگر، به خواب ابدی فرو رفتند و قلب های کوچکشان که مملو از رؤیا ها و آرزو های کودکانه بود، از تپش باز ایستاد و همراه شان، تمام رؤیا های قشنگ شان به خاک سپرده شد . و خداوند نظاره می کرد که چطور خون پاک مهمانانش بر زمین ریخته شد . او بدون شک در هم کوبنده ستمکاران و زور گویان است . آری ! جنگ بسیار فراتر از یک عملیات نظامی است؛ جنگ یعنی درد و رنج، نا امنی، از بین رفتن خانه ها، کشتار انسانها، تعطیلی مدارس ، از دست دادن کسب و کار و مصیبت هایی بالاتر از آن . مردمان بد سیرت، کودک کش و جنگ افروز، انسانیت را قربانی هوس های خود کردند . به خیال آنکه می توانند این ملت را در هم بشکنند و ما را از آرمان ها و ارزش هایمان جدا کنند . اما زهی خیال باطل ، ما قوی تر شدیم . نور ایمان مان درخشنده تر و قلب هایمان آرام تر شد . چرا که خداوند با امداد های غیبی و کمک های آسمانی اش بر ایمان و اطمینان قلب هایمان افزود؛ قلب هایی که برای این خاک می تپند . خداوند به ما وعده داده است اگر دینش را یاری کنیم و اگر در راه او، قدم هایمان استوار باشد، او هم یاری مان خواهد کرد .

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

و هیچ یاری و پیروزی نیست مگر از سوی خدای شکست ناپذیر حکیم (آل عمران، آیه ۱۲۶)



عارفه محمدیان



سلام علیکم

مادر شهید یونس نظرزاده هستیم.

یونس ۱۴ سالش بود ، که کمر بند مشکی کاراته داشت و در مسابقات کاراته شرکت می کرد و من و پدرش هم در این مسابقات همراهش می رفتیم. نا گفته نماند که ایشان بیشتر از ده تا افتخار قهرمانی دریافت کرده بود . یک بار برای مسابقه که رفته بودیم ، بعد از اتمام مسابقه اعلام کردند ، پسر من و یک نفر دیگر مقام اول آوردند . آن قضیه تمام شد و به خانه برگشتیم .

موقع مدال گرفتن در باشگاه، من و پدرش به دلایلی کنارش نبودیم. بعد از اینکه به خانه برگشت، دیدیم که مدالش مقام اولی نیست! گفتم : پسر من چی شده؟ شما که نفر اول شدی ! گفت: نه مامان اشتباه کرده بودند دوستم نفر اول شده بود و من نفر دوم

و این جریان گذشت تا همین دو سه شب پیش ، که از طرف فدراسیون کاراته به منزل ما آمدند و استاد ایشان گفتند که آن زمان ما گفتیم که دو نفر را برنده اول مشخص می کنیم ، اما اقا یونس گفتند من می دانم دوستم اول شده و من دوم شدم، شما ایشان را اول اعلام کنید.

یعنی پسر من در سن چهارده سالگی ، از مقام اولی کنار کشید و خواست دوستشان را مقام اول اعلام کنند .

و این یک خاطره ای بود که چند شب پیش استادشان به ما اطلاع دادند و از بزرگی و گذشت پسر من تعریف کردند .

از همین ها مشخص است ، که چقدر مهربان بود و قلب بزرگی داشت و لذت های دنیوی را نمی خواست و دنیایی نبود.

پسر من باعث افتخار من است و من به او افتخار می کنم و خدا را شاکرم که به من چنین پسری داد و توفیق داد که بیست و یک سال با ایشان باشم و با ایشان زندگی کنم.



محدثه ستارچه



یونس نظر زاده؛ روایتی از اخلاص، ولایت‌مداری و شهادت در کسوت جوانی دهه هشتادی است.

—سلام علیکم لطفاً خود را معرفی بفرمایید؟
صفیه نظرزاده هستم . خاله شهید یونس نظر زاده

— با توجه به شناخت شما از خلیات و روحیات شهید یونس نظرزاده ایشان را معرفی بفرمایید؟
شهید یونس نظر زاده، جوانی از نسل دهه هشتاد، با سنی حدود بیست و یک سال، نماد مهربانی، ایثار، اخلاص و عشق به آرمان‌ها بود .ایشان همواره تلاش می‌کردند تا رضایت خاطر اطرافیان را جلب نمایند و از ناراحت کردن دیگران اکیداً پرهیز داشتند .داشتن روحیه کمک رسانی به دیگران از خصوصیات برجسته ایشان بود و در این راه از هیچ کاری دریغ نمی‌کردند.

—به نظر شما، مهم‌ترین درسی که از زندگی و شهادت شهید یونس نظرزاده به عنوان یک جوان مشه‌دی که برای دفاع از وطن رفت می‌توان گرفت چیست؟ این پیام برای جوان‌های امروز چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟
مهم‌ترین درسی که می‌توان از این شهید جوان آموخت، تأکید ایشان بر مطالعه و کتابخوانی و آگاهی، پیروی بی‌چون و چرا از ولایت فقیه و عشق عمیق به رهبری است .شهید یونس نظر زاده همواره بر ضرورت تنها نگذاشتن رهبری و حفظ سنگر انقلاب تأکید داشتند و از اهمیت وفاداری به ایران سخن می‌گفتند.ایشان در دوران مرخصی خود ، تمام شب‌ها را به حضور در تجمعات و دفاع از آرمان‌ها اختصاص می‌دادندو بیان می‌کردند که وظیفه جوانان امروز، دفاع از انقلاب ، یادآوری فداکاری‌های رزمندگان دوران دفاع مقدس ، مدافعان حرم و امنیت، و همچنین روشنگری در میان نسل جوان برای هدایت آنان در مسیر درست است.
—نظر ایشان درباره جوانان هم سن و سالشان چه بود؟
ایشان باوری عمیق به توانایی جوانان داشتند و معتقد بودند که با اتکا به خداوند و درک صحیح از وظایف، می‌توانند کشور را به بهترین نحو مدیریت کنند .

—با توجه به شناختی که از روحیات شهید دارید به نظر شما ایشان چه درخواستی از نسل ما داشتند؟
دعای همیشگی او، فرج امام زمان (عج (و پیروی از ولایت فقیه بود .همچنین، او به خواهران سفارش می‌کرد که حجاب فاطمی را حفظ کنند تا شرمنده شهدا نشوند .این شهید، با سیره عملی و گفتار خود، نشان داد که چگونه می‌توان در عین جوانی، به قله‌های رفیع کمال، بصیرت و شجاعت دست یافت و الگویی ماندگار برای نسل‌های آینده شد.

•و در پایان چه چیزی از شهید نظرزاده در قلب و ذهن شما همیشه می‌ماند؟چه خاطره و یا ویژگی یا حرفی از ایشان هست که همیشه همراهمان بوده است؟

نکته قابل توجه دیگر در مورد ایشان، خلوص نیت و انجام کارهای پنهانی برای رضای خدا بود .کارهایش را در خفا انجام می‌داد .همین خلوص نیت و وقف کردن خود برای خدا و مردم، موجب شد تا خداوند او را به سوی خود بخواند و در مشهد بدرخشد و در دل‌ها جا باز کند .

نقل است که حتی پس از شهادت نیز، او به یاری نیازمندان شتافته و موجب شفای بیماری شده است.این نشان از می‌دهد که وقتی انسان خود را وقف خدا کند و از تعلقات دنیایی رها سازد و از لحاظ معنوی به اتصال لازم برسد، قادر به انجام کارهای بزرگ خواهد بود.



مصاحبه گر : زهرا زارعی





تحلیل وقایع و پدیده های جهانی :

امروزه جهان در حال تجربه مجموعه ای از تحولات پیچیده است که ریشه های آن در سه حوزه اصلی قرار دارد: ساختار قدرت، فناوری و اقتصاد جهانی. درچنین شرایطی رقابت دولت ها برای افزایش نفوذ منطقه ای، کنترل منابع حیاتی، دسترسی به فناوری های نوین و ایجاد امنیت جمعی باعث شکل گیری تنش ها و درگیری های مختلف می شود. این پدیده ها تنها نتیجه تصمیم یک کشور نیستند، بلکه حاصل مجموعه ای از عوامل تاریخی، امنیتی و اقتصادی کشور هاست.

علت شکل گیری تنش و نزاع بین کشور ها :

در سطح منطقه ای، هرگونه تنش یا درگیری معمولاً حاصل برخورد منافع، نگرانی های امنیتی و تلاش برای حفظ جان مردمان است. در سطح جهانی نیز نقش آفرینی قدرت های بزرگ، اتحاد ها و فناوری های نظامی نوین بر شدت و گسترده این بحران ها اثر می گذارند. شبکه های اطلاع رسانی، رسانه ها و فضای مجازی نیز با سرعت دهی به جریان اطلاعات، برداشت را از بحران ها را تغییر می دهند و گاهی موجب تشدید آن ها می شوند. بحران های اقتصادی جهانی یا منطقه ای نیز می توانند به بی ثباتی سیاسی و اجتماعی دامن بزنند. نقش فناوری و اقتصاد در تشدید تنش ها :

پیشرفت های صحیح در حوزه فناوری، به ویژه در فناوری های نظامی، اطلاعاتی و سایبری قابلیت های جدیدی برای رقابت و درگیری ایجاد کرده است. از یک سو، این فناوری ها میتوانند، به ابزاری برای حفظ ثبات تبدیل شوند، اما از یک سو دیگر ریسک تشدید درگیری هارا نیز افزایش می دهند .

از منظر اقتصادی، وابستگی متقابل اقتصاد های جهانی، رقابت برسر بازارهای جدید و تاثیر تحریم های اقتصادی بر روابط بین الملل، لایه ای دیگر به پیچیدگی های جهانی افزوده است.



سارینا داودی



شهادت مبارک، سرور و سالار شهیدان جنگ رمضان

۹ اسفندماه ۱۴۰۴ روز شهادت علمداری است که تمام عمر در میانه میدان ایستاد و با صلابت خورشیدی‌اش، راه را در شب‌های تاریک فتنه‌ها نشان داد؛ مردی که حماسه‌ی حضورش در رگ‌های تاریخ جاری ماند و نامش لرزه بر اندام ستم‌افکنان انداخت.

او که قله شجاعت بود و در بحبوحه‌ی حکومت نظامی پهلوی، میان تانک‌ها و گازهای اشک‌آور، چنان با آرامش علیه رژیم ستم حرف زد که ترس از دل‌های هزاران نفر گریخت و حصار خفقان شکست.

در مدیریت بحران صخره‌ای تزلزل‌ناپذیر بود که نه در فتنه‌های خیابانی قدمی به عقب گذاشت و نه در تهدید آمریکا، که قاطعانه فرمان داد حتی یک وجب از خاک وطن نباید به دست دشمن بیفتد.

کوه توکل بود که در اوج قدرت نمایی آمریکا در منطقه، با آرامشی برخاسته از دلدادگی به خدا، دشمن را حقیر می‌خواند و به مظلومان جهان، اطمینان پیروزی می‌داد.

مظهر عزت در برابر دشمن بود؛ همان که در زندان به شکنجه‌ها خندید، در خیمه دیکتاتور سر خم نکرد و با صلابت، سفرای باج‌خواه اروپایی را به زانو درآورد.

روح قناعت در جان‌ش جاری بود و زندگی‌اش را بی‌آنکه دستش به ریالی از بیت‌المال یا وجوهات شرعی آلوده شود، اداره می‌کرد.

زاهدی ساده زیست بود که روی موکت زندگی می‌کرد و ردای گران‌قیمت‌های را می‌فروخت تا با آن چندین لباس برای نیازمندان تهیه کند و خود به کمترین‌ها بسنده می‌کرد.

فساد ستیزی قاطع بود که حتی مخالفانش به پاک‌دستی مطلق او و بستگانش اعتراف داشتند و با نامه‌های تند، مسئولان را به جای سمینار، به اقدام عملی علیه مفسدان فرامی‌خواند.

نگهبان لقمه‌ی حلال بود و حتی هزینه بیش‌زادِ پذیرایی یک هواپیما را از جیب شخصی می‌پرداخت و اجازه نمی‌داد فرزندان‌ش ذره‌ای از امکانات دولتی بهره‌مند شوند.

مردی اهل مطالعه و اندیشه که با سی هزار جلد کتاب در کتابخانه‌اش، چنان در کتاب‌شناسی تبخیر داشت که حتی ناشران حرفه‌ای را از دانش دقیق خود در حوزه‌ی هنر و ادبیات شگفت‌زده می‌کرد.

و در نهایت، غیرتمندی علوی بود که در میان ازدحام جمعیت، با دست خود حائل می‌شد تا کرامت بانویی ایرانی حفظ شود و اجازه نمی‌داد کمترین بی‌حرمتی به ناموس این مرز و بوم صورت گیرد.



حنانه دادمحمدی





دانشمند شهید سعید شمعقدری که بود؟

شهید سعید شمعقدری از چهره‌های علمی و مدیریتی دانشگاه علم و صنعت بود و در راه بومی‌سازی صنعت دفاعی موشکی و دفاع از امنیت جامعه جان خود را تقدیم کرد.

بامداد روز دوشنبه مورخ ۳ فروردین ۱۴۰۵ در پی بمباران مناطق مسکونی چیدر تهران توسط آمریکا و اسرائیل، سعید شمعقدری، دانشیار و معاون پژوهشی دانشکده مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران به همراه فرزندانش به شهادت رسیدند.

به گزارش جماران، دانشگاه علم و صنعت در پیامی پس از شهادت او نوشت: «شهید دکتر شمعقدری، از چهره‌های علمی و مدیریتی دانشگاه، عمر شریف خود را در مسیر اعتلای دانش، تربیت نسل‌های متخصص و خدمت صادقانه به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران صرف نمود و سرانجام در مسیر همان آرمان‌ها به فیض عظیم شهادت نائل آمد.»

استاندار خراسان رضوی نیز در پیام تسلیتی به همین مناسبت نوشت: «شهید بزرگوار حاج سعید شمعقدری در راه بومی‌سازی صنعت دفاعی موشکی و دفاع از امنیت جامعه همراه فرزندانش مظلومانه جان خود را تقدیم کرد.»

تخصص شهید سعید شمعقدری در حوزه مکانیک و هوافضا بود و دروسی مثل «مبانی مکترونیک»، «مباحث ویژه در کنترل» و «سیستم‌های کنترل خطی» را در دانشگاه علم و صنعت درس می‌داد.

کدخبر: 1702385

پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران - تهران
گزارش جماران؛



حنانه دادمحمدی





معرفی کتاب

کتاب ماجرای علی و دوستانش

این کتاب نوشته مازیار حاتمی، ویراسته نجیبه اسدی و مریم کوچکی با تصویرگری سمیه سادات شفیعی، داستانی کودکانه و نوجوانانه است. این کتاب توسط انتشارات روایت ۲۷ بعثت منتشر شده و روایتگر ماجراهای گروهی از بچه‌ها در روزهای پرتنش و خاص کشور است. داستان‌ها با محوریت علی و دوستانش، در بستر اتفاقات اجتماعی و امنیتی شکل می‌گیرند و به موضوعاتی چون همدلی، شجاعت، کمک به دیگران و هوشیاری در برابر تهدیدها می‌پردازند. فضای کتاب، کوچه‌ها و محله‌های شهری را با حال‌وهوای جنگ و بحران‌های اجتماعی به تصویر می‌کشد و تلاش دارد مفاهیمی چون مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی را به زبان ساده و ملموس برای مخاطبان نوجوان بازگو کند. نسخه‌ی الکترونیکی این اثر را می‌توانید از طاقچه خرید و دانلود کنید. کتاب ماجرای علی و دوستانش (داستانی برگرفته از اتفاقات دوران دفاع مقدس ۱۲ روزه) اثری داستانی از مازیار حاتمی است که با نگاهی به زندگی روزمره‌ی کودکان و نوجوانان در شرایط خاص اجتماعی و امنیتی نوشته شده است. کتاب در قالب چند داستان کوتاه و پیوسته، ماجراهای علی و گروه دوستانش را روایت می‌کند که در محله‌ای شهری زندگی می‌کنند و با چالش‌هایی مانند حضور افراد مشکوک، بحران‌های اجتماعی و شرایط جنگی روبه‌رو می‌شوند. مازیار حاتمی با استفاده از زبان ساده و توصیف‌های ملموس، فضای کوچه و خانه را به تصویر کشیده و تلاش کرده است تا دغدغه‌های کودکان در مواجهه با تهدیدها و مسئولیت‌های اجتماعی را نشان دهد.

ساختار کتاب به گونه‌ای است که

هر داستان، یک موقعیت تازه و چالشی را پیش

روی شخصیت‌ها قرار می‌دهد و واکنش‌های آن‌ها را در

قالب همدلی، شجاعت و همکاری به نمایش می‌گذارد. در

کنار روایت ماجراهای روزمره، کتاب به نقش خانواده، اهمیت

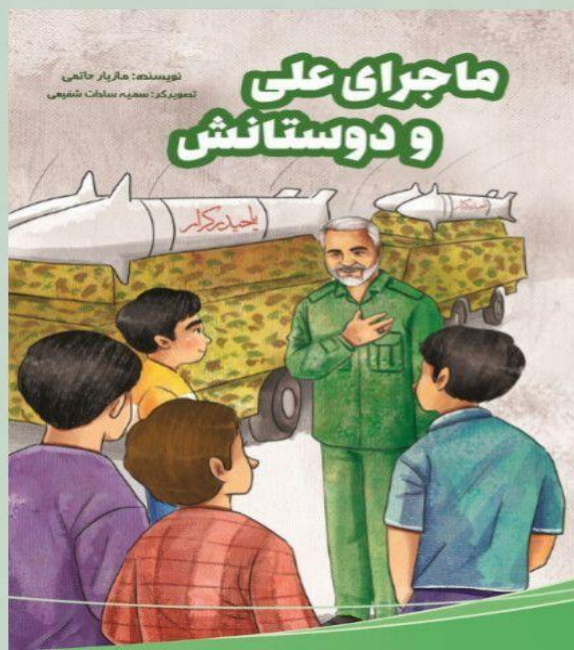
کمک به همسایه‌ها و مشارکت در حل مشکلات جمعی نیز

پرداخته است. مازیار حاتمی در این اثر، تلاش کرده تا

ارزش‌هایی مانند هوشیاری، نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری

را در قالب داستان‌هایی جذاب و آموزنده

برای نوجوانان مطرح کند.





برای دختران شهید میناب IR

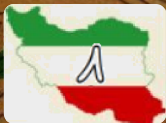
صبح بود و کلاس آماده
دستان حرف روی خط می چید
شهر میناب شاد می خندید
خنده را تا به چهرتان می دید

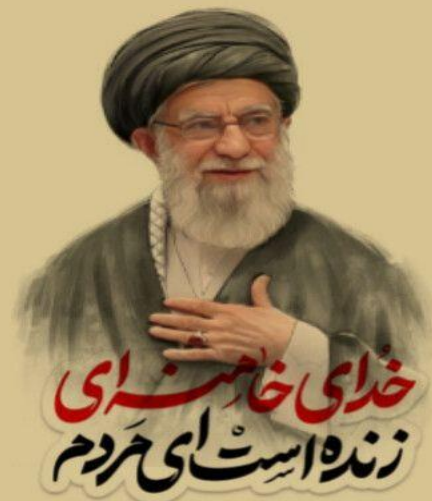
درس امروز ایستادن بود
درس زن بودن و بزرگ شدن
درس میهن، غرور، سربازی
درس با خون حریف گرگ شدن

زنگ تفریح مدرسه پر بود
دورتان هی فرشته می چرخید
نامتان را به شکل تازه نوشت
شده ترکیب واژه ها و شهید

همه شاگرد اولید امروز
جاودانه شدید بی تردید
کارنامه چه زود صادر شد
دخترانم قبول اسفندید

شاعر: زهرا آراسته نیا





رهبر شهیدم...

« در قلب هامان جای تو امن است »
ای رهبرم برخیز دلننگیم با ما یقیناً حرف
ها داری می خواهی ای آقای من نام
سال جدیدم را چه بگذاری؟

باور نخواهم کرد داغ تو را ای لحظه های
سبز شورانگیز امسال هم نوروز در مشهد
باید سخنرانی کنی برخیز

ما دیر فهمیدیم بغضت را ای گریه های
بی صدا بدرود ما را ببخش ای کشته
تهمت ای خسته مظلوم ما بدرود

عشاق در وصف تو می گویند: او بال
سوی کربلا وا کرد سید علی از بس
حسینی بود با خاک آخر روزه را وا کرد

« فزت و رب الکعبه » یعنی تو عمری به
حیدر اقتدا کردی گفتیم جان ما فدای
توست اما تو جان تو را فدا کردی

آیندگان یک روز می گویند تو ناجی ایران
زمین بودی در دوره میهن فروشی ها یک
عمر ایرانی ترین بودی

ما در خیابان ها شجاعت را هرشب
روایت می کنیم از تو در قلب هامان جای
تو امن است دیگر حفاظت می کنیم از تو

بعد از سلامی و سلیمانی سهم دل بیتاب
ما غم شد از هفت سین سفره ایران
این مرتبه سیدعلی کم شد

شاعر: «آقای محسن کاویانی»

رفتی ... و گویی زمان، در لحظه ای پروازت،
نفس حبس کرد .دلنگان، هر بامداد، با اشک
و یاد تو، به قاب تصویرت پناه می برند .تو نه
تنها رهبری بودی، ای مرد خستگی ناپذیر،
بلکه سپهر امید در شب های سرگردانی بودی .

هر سخت، چون بارانی به صحرای جان
می پاشید و با سکوت، دریایی از حکمت را به
ساحل دل ها هدیه می کردی .

اکنون که از این جهان پر کشیده ای، گویی
زمین، با احتیاط و احترام، قدم برمی دارد، مبدا
گام های استوار تو در تاریخ گم شود .

حضور تو در خاطره ها، همچون نیایشی
ابدی ست که (آمین) ندارد ...

نامت، با تکریم و اندوه، بر زبان ها جاری ست و
لبخندت، شفا بخشی برای زخم های کهن این
سرزمین .

رهبر شهید من ...

رفتی، اما در کلام، در خون، در ایمان، جاودانه
شدی .و ما، با هر نبض جان، به یاد تو
می گوئیم :زاهت، با تمام وجود، ادامه خواهد
داشت؛ حتی اگر آسمان دلمان تیره شود .تو،
چراغی بودی که در تاریک ترین شب ها، راه را
روشن می کردی ...و نور تو، در قلب های ما،
برای همیشه خواهد تابید.

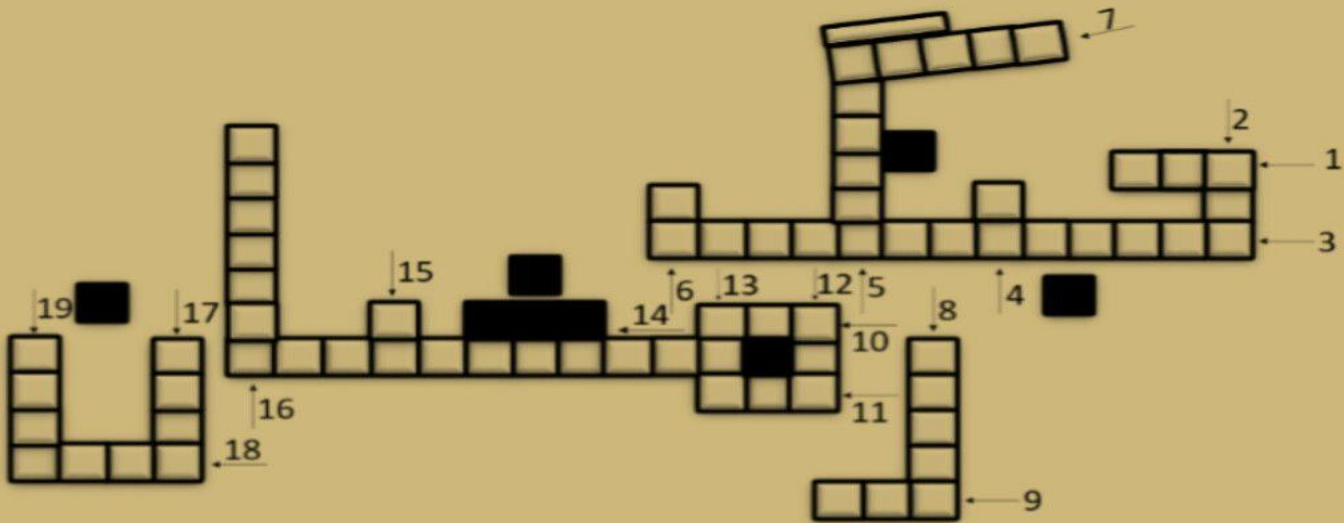


نویسنده: «فرشته وحیدی»





جدول



۱- گنج با ارزش ایران (طلای سیاه)

۲- ایران فقط یک اسم نیست ، ریشه است ، هویت است ، (دم) است.

۳- قائد شهید جهان اسلام.

۴- تکرار یک حرف .

۵- نام مبارک کوچک رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران .

۶- کوچکترین عدد یک رقمی .

۷- پایتخت ایران که بیشترین خسارت و آسیب را در جنگ رمضان متحمل شد.

۸- جنگ رمضان در این ماه به وقوع پیوست.

۹- نام ناوی که در جریان حمله ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی و آمریکا مورد هدف قرار گرفت.

۱۰- پویش جدید وطنی به نام جان

۱۱- شهید سلیمانی در بخشی از وصیت نامه خود عنوان کرده که جمهوری اسلامی است.

۱۲- سوره ای که رهبر برای پیروزی مقابل رژیم صهیونیستی تاکید به خواندن آن داشت .

۱۳- کلمه ای که در پیام جهانی و شعر مشهور سعدی برای همدلی انسان ها سروده و در سازمان ملل نصب شده است.

۱۴- دبستانی که مورد حملات وحشیانه اسرائیل و آمریکا قرار گرفت و ۷۶۱ شهید داد.

۱۵- عدد دو رقمی

۱۶- نام کوچک نخست وزیر رژیم صهیونیستی.

۱۷- تنگه ای که نقطه قدرت ایران است .

۱۸- کروز برعکس شده .

۱۹- جزیره ای ایرانی که بارها در جنگ اخیر مورد تجاوز قرار گرفت.



یسنا حسینی

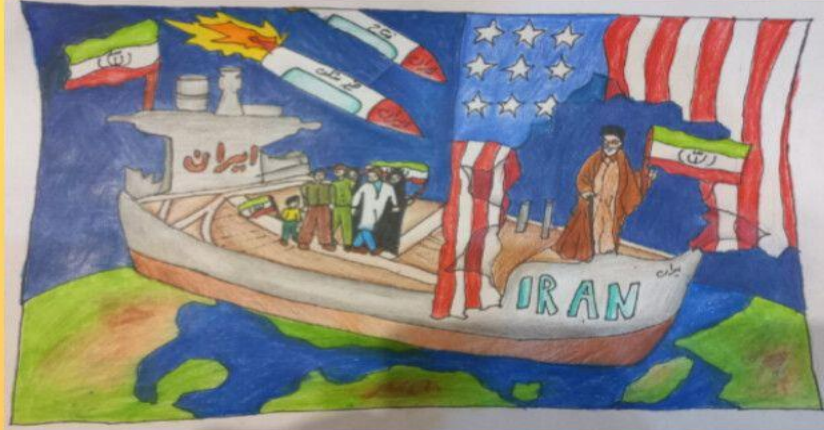
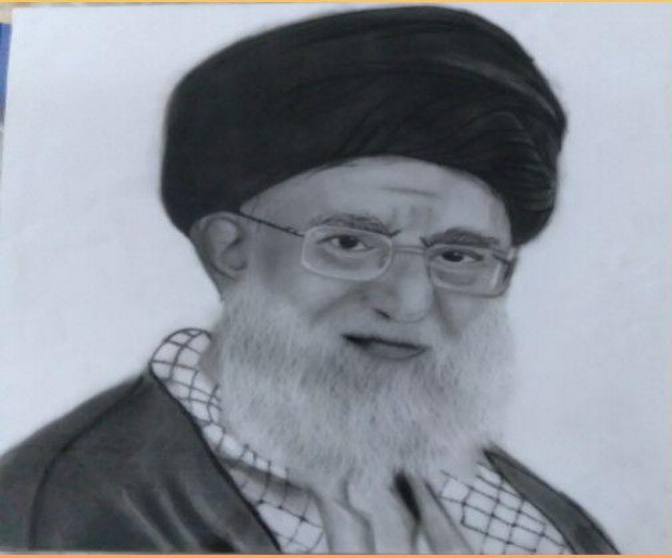




کاریکاتور و نقاشی



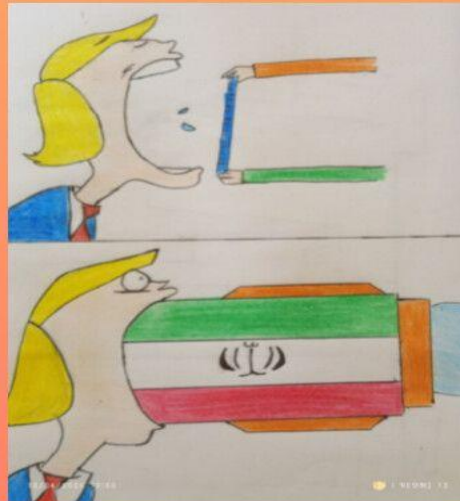
سارا وطن دوست



فاطمه علیزاده



النا سیادت





دوبرادر شهید

محمد علی
علی اکبر کریانی پاک



دانش آموز شهید

سمیل چملی پور



دانش آموز شهیده

فادیا شهمیری



دانش آموز شهیده

مریم بازرک

یاد یاران دبستانی مینار

